



قشم جزیره رویاها

مجموعه عکس‌های زنده بند کورش گرمساری

کورش گرمساری
قریده گرمساری، داریوش گرمساری
علی رضایی
مجتبی احمدخان
محمدحسین زنده روح کرمانی
مسعود زنده روح کرمانی
زهرا قراگوژلو
حامد شفیق پور
سمیه مهاجرین
بصیر
نقره آبی
حبیب
انتشارات نیک تصویر
۲۰۰۰ نسخه
اول - ۱۳۸۴
۹۶۴-۹۶۷۳۲-۰۰۲

عکس
به کوشش
نویسنده
مترجم
ویراستار
مدیر هنری
گرافیکست
ویرایش عکس
تایپ
اسکن عکس و لیتوگرافی
چاپ
صحافی
ناشر
شمارگان
نوبت و تاریخ چاپ
شابک

هرگونه بهره‌برداری و استفاده منوط به ذکر مأخذ و نام عکاس است.

قشـم

جزیره رؤیاها

مجموعه عکس‌های زنده یاد کورش گرمساری

سپاس

خانواده گرمساری سپاس و امتنان خویش را نصبت به همه بزرگوارانی که در تهیه این مجموعه یاری رسان بودند ابراز می‌دانند. به ویژه از سرور بزرگوار جناب آقای سیدعبداله هاشمی که بخش عمده‌ای از چاپ کتاب مرهمون مساعدت‌های بی‌دریغ ایشان است.

جناب آقای علی رضایی و جناب آقای منصور نعیمی که با صمیمیت و محبت در گزینش عکس‌ها همکاری کردند و از راهنمایی‌های ارزنده ایشان بسیار استفاده شد و نیز از همه دوستان و آشنایانی که با تشویق خود زمینه تدوین این کتاب را فراهم نمودند.



جزیره دیر بای قشم در گذرگاه تاریخ کودکانه سر بر دامن پر مهر مادر خویش ایران زمین نهاده و در آغوش خلیج فارس و دریای عمان آرمیده است. قدمت تاریخی آن را بسیاری از مورخان یادآور شده‌اند. اما شنیدنی‌ترین روایت آن است که حضرت سلیمان (ع) با همه سپاهانش شبی را در این جزیره به سر برده است.

«روزی حضرت سلیمان از بیت المقدس بیرون آمد در حالی که سیصد هزار تخت در جانب راست او بود که انسان‌ها عهده‌دار آن بودند و سیصد هزار تخت در جانب چپ او وجود داشت که چن‌ها بر آنها گمارده شده بودند. به پرندگان فرمان داد بر روی لشکرش سایه بیاکنند. به یاد فرمان داد تا آنها را به مداین برساند. یاد مأموریت خود را انجام داد، سپس از آن جا به منطقه اصطخر بازگشت و شب را در آن جا به سر برد. فردای آن شب به جزیره «برکاوان» (واقع در فارس) رفت. سپس به یاد فرمان داد آنها را به سرزمین خود فرود آورد، یاد چنین کرد»

غارهای خریس، روایت دیگری از قدمت این سرزمین را در سینه دارند و گفته می‌شود این غارها متعلق به دوره مادها هستند. در زمان هخامنشیان نیز این جزیره یک مرکز بزرگ کشتی‌سازی بوده که برای اولین بار در جهان کشتی‌های آبی خاکی در آن ساخته می‌شد. شاهپور دوم ساسانی هم نیروی دریایی قدرتمندی در این جزیره تشکیل داد.

بزرگ‌ترین حادثه تاریخی قشم در زمان پرتغالی‌ها رقم می‌خورد. زمانی که امام قلی‌خان به فرمان شاه عباس صفوی به قشم حمله برد و این جزیره و هرمز را پس از ۱۱۷ سال از استیلای پرتغالی‌ها خارج کرد و استقلال این سرزمین را به آن بازگرداند. قشم بزرگ‌ترین جزیره فارس است. طول آن ۱۲۴ کیلومتر و عرضش از ۱۰ تا ۲۵ کیلومتر نوشته شده است و مساحتی برابر ۱۴۳۰ کیلومتر مربع دارد. کوهستان‌های آهکی با بریدگی‌های غالباً تند و قائم آن را احاطه کرده‌اند که ارتفاع آنها گاه به ۲۵۰ متر می‌رسد. کرانه‌های جزیره غالباً مصرس و از قشم تا جزیره هنگام دارای عمقی زیاد است بگونه‌ای که ناوها می‌توانند نزدیک کرانه حرکت کنند.

آب و هوای جزیره در طول سال به جز یک فصل کوتاه زمستان گرم و مرطوب و میزان بارندگی سالیانه آن اندک است. جزیره بزرگ قشم با جزایر هنگام، لارک و هرمز شهرستان قشم را تشکیل می‌دهند. پیشه سنتی مردم دریانوردی و صیادی است و در گذشته‌های نه چندان دور دریانوردان بسیاری و معروفی داشته که با لنج‌ها و بوم‌های ساخت جزیره به سرزمین‌های سواحل آفریقا (حبشه-زنگبار) و هندوستان سفر می‌کردند. امروز نیز در گوشه و کنار جزیره کارگاه‌های لنج‌سازی دیده می‌شوند که هر چند رونق گذشته را ندارند، اما هنوز از ذهن و دست استادکاران بومی لنج‌های بسیار زیبا خودنمایی می‌کنند، از جمله کارگاه لنج‌سازی بندر لافت که از شهرت فراوان برخوردار است. گروهی با حمل مسافر به وسیله لنج‌ها و قایق‌ها روزگار می‌گذرانند و عده‌ای هم به داد و ستد در جزیره مشغولند. صید ماهی نیز هنوز به شیوه سنتی با ساختن مشتاه و با گرگور و تورهایی که جل می‌نامند صورت می‌گیرد.

آموزش علوم دینی از دیر باز در این جزیره مورد توجه مردم بوده و مدارس دینی این منطقه بسیار معروف‌اند. از جمله مدرسه دینی کمالی که از شهرت خاصی برخوردار است. با اینکه میزان بارندگی اندک است جزیره پوشش گیاهی مناسبی دارد، درختان لور (انجیر معابد) چی چغ (تمبره‌ندی) کرث، کنار، کهور، خرما و کمی فرکیات در تمام جزیره دیده می‌شوند.

اما آنچه بیشتر از همه به این سرزمین رنگ و رونق بخشیده جنگل‌های حرا است. این درختان بومی با ویژگی خود بستر مناسبی برای حیات وحش به ویژه پرندگان هستند. رویداد درختان حرا در گل و لای سواحل دریا و اینکه با جزر و مد، اشکال و پهنای می‌شوند سحرانگیزی خاصی به جزیره بخشیده است. در گذشته با بستن سدهای خاکی یا استفاده از چاه، مردم به کشاورزی مشغول بودند و هنوز هم در بعضی از روستاها عده‌ای به این کار اشتغال دارند. سدهای جزیره قسم از دوران هخامنشیان، ساسانیان و صفویه باقی مانده‌اند. اگر چه به علت ویرانی خیلی کم مورد استفاده قرار می‌گیرند اما نشانه آراسته مردمی هستند که در طول تاریخ با خشکسالی مبارزه و زندگی را در جزیره جاری کرده‌اند.

از طرفی کم آبی مردم را در آن داشته بود تا با ساختن برکه‌هایی با معماری زیبا آب را ذخیره کنند یا با حفر چاه برای این مشکل چاره‌ای بیندیشند. چاه‌های ۳۶۵ روزه معروف به طلا در لافت تمبیدی در این زمین است که گویا در طول سال هر روز از آب یک چاه استفاده می‌کردند. غارهای سنگی نمکی قسم هر چند غریب و ناشناخته مانده‌اند لکن مناظر پس دل‌انگیزی بیش روی بیننده می‌کشاند. حیات وحش در این سرستان هم قابل توجه است به ویژه اهوانی که گفته می‌شود آب دریا را از میان شکاف سدهای خود می‌نوشند تا از شوری آن کاسته شود. پرندگان مهاجر دریایی مثل حواصیل و انواع بزکوهی به همراه حیوانات اهلی چون شتر و بز تالی از دیگر جانوران این جزیره‌اند. منبع تغذیه بیشتر این حیوانات برگ درخت حرا است. قسم سرزمین یادگیریه برکه‌ها و مساجد است و در ساختن هر کدام نهایت طرافت به کار رفته است. مسجد برخ یکی از قدیمی‌ترین مساجد منطقه است و می‌گویند در زمان خلافت خلیفه دوم ساخته شده است. همه اینها نشانه ذوق مردمی است که از سفرهای گوناگون زیبایی را به دیار خود آورده و با سنت خود سازگار کرده‌اند. هنوز در بسیاری از خانه‌ها یادگار سفرهای دور و دراز دیده می‌شود با رنگ و بویی خاص. نقش‌هایی که بر گستره دیوارها نشسته یا در چهارچوب پنجره‌های می‌درخشند همان طراوت و تازگی را دارد که در خطوط سحرانگیز کلابتون دوزی‌ها و خوس‌دوزی‌های زنان جزیره جلوه‌گر است.

قسم نقطه تلاقی واقعیت و خیال است و سرزمین سازگاری آدمی و پری، از زبان بسیاری از جاشوها قصه‌هایی از بابا دریا - ملمداس و منتیل با شنیده می‌شود. موجوداتی که از دل افسانه‌ها می‌آیند و تا مرز واقعیت جلوه می‌کنند و خاطرات زنان مامایی که به اعصاب آب‌ها رفته‌اند تا فرزندان پری‌های دریایی را به دنیا بیاورند رویه دیگر این باورهاست. قسم سرزمین سرود و سفر است. هر بار که بوم یا چهاری از سفر باز می‌گردد ماجرای آن را گروه رزف‌خوان با شعر و آهنگی پس شیرین بیان می‌کنند و آنکه در حلقه ذکر می‌نشینند راوی سفر می‌شود. رزف نمایش خیره کننده سرنوشتی است که دریا برای دریا نوردان جزیره رقم می‌زند.

مراسم زار و لبوا بیانگر شوییدگی آدمی در طوفان بادهای سرخ و ارواح سرگردان است در دایره هول و هراس، رقص است و جنون خیزران و سفره خون و صدای دهل‌ها که سرها را به دوار می‌افکند. همراه با نگاه مات مردمی که به بابا یا ماما زار خیره می‌شوند تا چگونه این گرگ کور را می‌کشاید. ارواح خبیث همواره در کمین این مردم نشست‌اند و به اندک بهانه‌ای آنها را به بند می‌کشند.

منجول نشانه‌ای است از ده‌ها مجلس زار و ساخته شده از سم کوفسندهایی که بر سفره خون غلغیده خونشان در رک زاری جریان یافته است. منجول همراه با صدای تمبیره از دل توت‌ها می‌آید یا ارواح سرگردان را به بند کشد و بیمار آرام گیرد. این سدهای دوخته شده بر پارچه‌ای دستمال کونه را ز مکی ارواح خبیث هستند که تا خون حیوان قربانی را ننوشند بیمار را رها نمی‌کنند.

مولودی گوشه‌ای از موسیقی جزیره است که وقتی خوانده می‌شود دنیای دیگری جلوه می‌کند سراسر معنویت و روح. همه مجلس ذکر خدا و رسول است و خاندان مطهرش هم‌خوانی و همسرایی در مولودی همواره با جبهه روحانی و عارفانه‌ای همراه است که مایه آرامش و پاکتی دل‌ها می‌شود.

مراسم رقص شمشیر مردم لارک حکایتی است از رنج مردمی که سال‌ها اسیر غارتگران دریایی بودند و هر بار در یورش آنان هست و نیستشان به غارت می‌رفت. مراسم عروسی نیز روایت دیگری از دنیای زیبا پسند این مردم است. آرایش عروس و سرودی که به هنگام حنا بندان او خوانده می‌شود هر بیننده و شنونده‌ای را در مرکز جاذبه سحرانگیز خود می‌خکوب می‌کند. حله عروس پنجره‌ای است به افسانه‌های هزار و یک شب. گویا همه چیز از نگاه سندباد روایت می‌شود و زنان جزیره هر یک شهزادی هستند که تنها در جهان قصه آرام می‌گیرند یا قفسی هستند که در تنهایی خود بیابان می‌زند و می‌سوزد تا از خاکستری خیالی در هیئت زن دوباره متولد شود. شاید از این روست که قسم در مللی از افسانه و حقیقت پیچیده شده. راز آمیز و افسوسگر و تنها کسانی آن را باور خواهند کرد که با این مردم بشنیدند و برخیزند. قسم دیدنی است نه شنیدنی.